

مقدمه

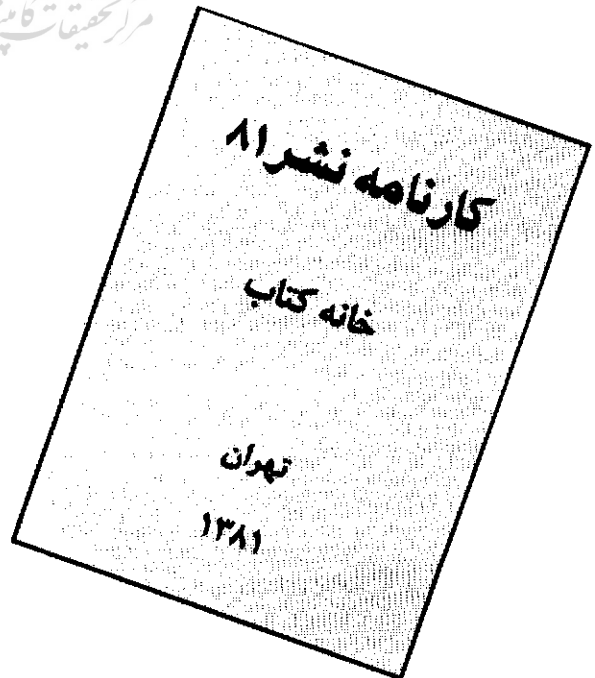
به منظور تکمیل اطلاعات پژوهشی مآخذشناسی جامع فقه اسلامی که آخرین مراحل پژوهشی خود را می گذراند، سری به کارنامه نشر ۸۱ زدیم. در بدو ورود و تورق چند صفحه، مشکلاتی در آن یافتیم؛ با مطالعه بیشتر مشکلات بیشتری در آن دیدیم. این مشکلات را به قصد تذکار و به امید اصلاح می نویسم.

در این دو دهه که به کتابشناسی هایی مشغول بوده و برخی را به چاپ سپرده ام، رنج و مشقات چنین کارهایی را با تمام وجود لمس می کنم و هرگز خود را در موضع نقد هیچ کار کتابشناسی قرار نداده ام. زیرا نقد و نقادی اینگونه کارها را در حوزه کسانی می دیدم که شخصاً مشکلات و سختی های آن را حس نکرده و از بیرون گود، ندای لنگش کن را سرمی دهند. اما پس از مطالعه این کار و نسبت سنجی آن با هزینه بری های آن، بر خود فرض دانستم نقدی بنویسم. پژوهشگرانی با هزینه های شخصی و بدون مصرف بودجه عمومی به کارهایی پرداخته و انتشار داده اند. اگر مشکلی در کار آنها هم باشد، چندان گزنده نیست. ولی طرح هایی که با هزینه بری بالا اجرا می شود، لزوماً باید از اتقان و استحکام لازم برخوردار و مهم تر آنکه رو به رشد و کامل تر شدن باشد. به ویژه طرح هایی که از سوی متصدیان فرهنگ کشور منتشر می شود از هر نظر باید الگو و خط دهنده باشد؛ و گرنه مشمول ضرب المثل «اگر متولی امام زاده، حرمت امام زاده را رعایت نکند از دیگران چه انتظار» می شود. اگر خانه کتاب مدیریت لایقی را برای تولید آثار برتر ایجاد نکند، نشریات آن نسبت به مجلات مشابه عقب تر باشد، کتابشناسی های آن استحکام مضبوط را نداشته باشد و دیگر پروژه های آن در قواره و ضابطه های مقبول عرضه نشود، باید فاتحه ای به جسد پژمرده فرهنگ و پژوهش خواند. چنین طرح هایی اگر در ارتقای فرهنگ و توسعه علمی کشور مؤثر نباشد حتماً در چرخه

مجموعه اشتباه یا کارنامه راهنما

(نقد و بررسی بخش فقه)

محمد نوری



کارنامه نشر ۸۱، تهران، خانه کتاب، ۱۳۸۱، ۲۱۰۰ص،
دو جلد، رطی.

فقه اهل سنت

رساله عملیه فقه شیعه

عبادات

احوال شخصیه (مناکحات)

مباحث و احکام حقوقی، اداری و سیاسی

تاریخ فقه و اصول

هشت عنوان مزبور، به اشتباه نه (۹) شماره دارد؛ یعنی تا شماره هفت تسلسل دارد و شماره هشت مفقود و پس از آن شماره نه (۲۹۷/۳۹) آمده است.

ترتیب این عناوین منطقی و علمی نیست. هر اهل فنی با نگاه اجمالی به این عناوین فقدان نظام منطقی آن را خواهد یافت. فقه مانند دیگر علوم، بدنه‌ای چهار بعدی دارد: تاریخ، مسائل و موضوعات، مبانی و مبادی و تحقق عینی یا جامعه‌شناختی. در کنار این چهار بعد که مربوط به ماهیت یک علم است، کلیات و روش شناسی هم قابل طرح است و با احتساب آنها هر علم شش بعد درونی و بیرونی دارد. کلیات در واقع آثاری همچون کتابشناسی‌ها، دائرةالمعارف‌ها، نشریات و کتابخانه‌های تخصصی و مانند آنها را تشکیل می‌دهد.

اگر در شاخه بندی آثار فقهی این چارچوب منطقی ملحوظ نشود و بدون ضابطه‌های علمی به طبقه بندی پردازیم، نمی‌توان به درستی آثار فقهی را دسته بندی کرد. هشت عنوان موجود به دور از تجربه‌های محتوایی فقه و بدون توجه به عرف فقیهان تدوین شده است. البته اینجانب به محذورها توجه دارم و به طور کلی با همه شاخه‌ها مخالفتی ندارم، اما برخی از آنها مشکل‌زاست. عناوین پیشنهادی ام این گونه است:

کلیات

اصول فقه

تاریخ (منابع مربوط به تاریخ فقه و اصول فقه و زندگینامه فقیهان و اصولیان)

آثار کلی (آثاری که به اکثر یا همه مسائل فقه می‌پردازد)

عبادات (کتاب‌های استدلالی در زمینه روزه، نماز، طهارت و ...)

فتاوا و پرسش و پاسخ‌ها (رساله‌های عملیه و دیگر آثاری که مسائل فقهی را بدون استدلال مطرح می‌کند)

احوال شخصیه (آثار فقهی که به مسائل شخصی می‌پردازد)

نظام‌ها (آثار فقهی که به مسائل عمومی می‌پردازد)

مذاهب سنی (همه عناوین مزبور، البته غیر از کلیات،

فرهنگی، نقش واگرد و عقب‌گرد را ایفا می‌کند؛ یعنی به جای ایجاد بستر مناسب و الگودرازی، با طرح الگوی بدیای عرضه اطلاعات غلط یا اطلاعات درجه دوم و بدون اولویت مانع توسعه فرهنگی خواهد شد.

کارنامه نشر، کتابی است که سالانه از سوی خانه کتاب منتشر می‌شود. کارنامه نشر ۸۱ در اردیبهشت ۱۳۸۲ نشر یافت و زود هنگامی نشر آن تحسین می‌طلبید. زیرا همچون پاره‌ای طرح‌های اطلاع‌رسانی نیست که بعد از چند سال منتشر شود و در واقع اطلاعات آن سوخته شود. همچنین بر سختی کار و قوف کامل دارم و در همین جا برای همه پژوهشگران و مدیران پژوهشی آن قلباً آرزوی توفیق بیشتر می‌کنم. آقای رنجبری مدیرعامل خانه کتاب در مقدمه‌ای که بر این اثر نوشته، مؤسسه خانه کتاب را خادم حوزه نشر دانسته و از نویسندگان تقاضا کرده که اطلاعات را کنترل کنند و کاستی‌ها را اعلام نمایند. من هم خواهش ایشان را پاسخ گفته و ساعاتی را به مذاقه و مطالعه در بخش فقه کارنامه نشر سپری کردم.

جایگاه فقه در کارنامه نشر: تمامی منابع در یازده بخش تنظیم شده است. از این یازده بخش، فصلی به دین اختصاص یافته است. در دین، منابع اسلام در قسمت ویژه‌ای اطلاع‌رسانی شده است. در دین اسلام، رده ۲۹۷/۳، صفحات ۲۳۰ تا ۲۶۹ به فقه و اصول اختصاص دارد. آنگونه که در مقدمه (نویسنده این مقدمه مذکور نیست و مناسب بود نام ایشان ذکر می‌شد) آمده است اطلاعات بر اساس رده بندی دیوبندی طبقه بندی شده است.

نگاهی نقادانه از منظر فن رده بندی بر این اثر را به فرصت دیگری موکول می‌کنم. آنچه در این مقاله عرضه می‌شود فقط رو کردن اشتباهات و خطاها در تعیین موضوع آثار فقهی و تشخیص محتوا و مطاوی آن آثار است.

ساختار و طبقه بندی اطلاعات منابع: منابع فقهی و اصولی بر اساس رده بندی دیوبندی ذیل هشت عنوان تنظیم شده‌اند. این عناوین عبارتند از:

اصول فقه

آثار کلی



اصول فقه و تاریخ، مربوط به فقه شیعه است ولی در اینجا فقط منابع فقهی سنی را در رده های پنج گانه مزبور معرفی می کند

تشخیص موضوع آثار: تشخیص محتوای اثر و اینکه چه عنوانی بر آن منطبق است اولین اصل در کتابشناسی است. اشتباه در تمییز آثار، موجب خطاهای زیادی می شود؛ به ویژه در کتابشناسی هایی که به شیوه ایندکس عمل می کنند و منابع را طبقه بندی موضوعی می نمایند. زیرا اینان باید با تحلیل صحیح از موضوع هر اثر آن را در جایگاه موضوعی خاص خود قرار دهند. متأسفانه کسانی که متصدی کارنامه نشر یا حداقل بخش فقه آن بوده اند، قدرت چنین تشخیصی را ندارند. به برخی از اشتباهات در این زمینه اشاره می شود:

۱. موضوع کتاب دفترچه یادداشت یا وصیت نامه بغلی (ش ۳۶۷۶) در وصیت است و بهتر بود در بخش احوال شخصیه می آمد.

۲. مدخل ۳۶۹۳ با عنوان الانوار البهیة فی القواعد الفقهیة، موضوعش «قواعد فقهی» است و به اشتباه در بخش اصول فقه آمده است.

۳. مدخل ۳۶۹۵ با عنوان البحوث الهامه فی المکاسب المحرمه اساساً فقهی و مربوط به احکام کسب ها و تجارت های حرام است، ولی به اشتباه در بخش اصول فقه آمده است.

۴. کتاب التشریح الاسلامی: مناهجه ومقاصده (شماره ۳۷۰۱) اصولی نیست و دارای مباحث فقهی و بعضاً فلسفه فقهی است ولی در بخش اصول فقه جای گرفته است.

۵. کتاب سیری در اصول کافی (شماره ۳۷۱۰) در زمره آثار اصول فقه آمده که غلط فاحش است.

۶. شرح جامع مثنوی معنوی (شماره ۳۷۱۳) نیز اصول قلمداد شده است که اشتباه است.

۷. فقه و عمل (شماره ۳۷۲۲) قطعاً اصولی نیست، ولی در بخش اصول فقه آمده است. بهتر است بخش جدیدی با عنوان فلسفه فقه در نظر گرفته شود و این گونه آثار که به مبانی و مبادی یا مباحث ریشه ای و اساسی فقه می پردازد در آنجا آورده شود.

۸. مدخل شماره ۳۷۳۶، مبانی تشریح اسلامی، قطعاً اصول فقه مصطلح نیست و به اشتباه در فصل اصول فقه آمده است. این اثر به مسائل فلسفه فقه پرداخته است.

۹. مدخل شماره ۳۷۳۸ با عنوان مجمع تشخیص مصلحت نظام به یک نهاد حقوقی در ایران یا نهاد قانون گذاری می پردازد و کتاب اصولی نیست.

بهرتر است بخشی برای نهادهای فقهی و حقوقی در نظر گرفته شود یا در بخش کلیات آورده شود.

۱۰. کتابی با عنوان مجموعه سوالات متون فقه در بخش اصول فقه آمده است، در حالی که فقهی است و مناسب است برای آموزش فقه رده ای در نظر گرفته شود یا در کلیات آورده شود.

۱۱. مسائل من الفقه الاستدلالی (شماره ۳۷۴۰) با اینکه حتی عنوانش گویای فقهی بودن آن است، در رده اصول فقه آمده است.

۱۲. کتاب مناسبات رهبری و مرجعیت در نظام ولایی (شماره ۳۷۴۷) در بخش اصول فقه آمده با اینکه جای آن فقه سیاسی و نظام سیاسی است.

البته فصلی با عنوان فقه سیاسی یا نظام سیاسی در نظر گرفته نشده است، بلکه فصلی با عنوان «مباحث و احکام حقوقی، اداری و سیاسی» هست. عنوان این فصل مشکلاتی دارد؛ زیرا حقوق در عرض اداری و سیاسی نیست و حقوق سیاسی و حقوق اداری قابل تصور است. علی رغم این مشکلات چنین آثاری را می توان در آن جای داد.

۱۳. مدخل شماره ۳۷۵۲ کتابی با عنوان الموجز فی الفقه الاسلامی به مسائل فقه می پردازد، ولی در بخش اصول فقه آمده است.

۱۴. ذیل عنوان اصلی فقه و اصول، الموسوعة الفقهیة المیسرة (شماره ۳۷۷۵) آمده است. همین اثر مجدداً در بخش رساله عملیه تکرار شده است.

این اثر در رده دانشنامه های فقه است. اثر مشابه دیگری که آن هم مسلماً دانشنامه است، یعنی موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت (ع) (شماره ۴۰۲۴) در رساله عملیه آمده است. این نشانگر نداشتن ضوابط و سیاست مشخص یا شناختن ماهیت کتاب هاست.

نقادی فصل ها: فصل های هشتمانه جداگانه نیاز به تحلیل و بررسی دارد. زیرا مشکلاتی در هر فصل مشاهده می شود.

در زمره رساله های عملیه آمده است.

اینها نمونه هایی بود. در واقع از ۲۳۶ اثر که در این بخش آمده، ۵۹ اثر قطعاً رساله عملیه نیست و در زمره کتاب های استدلالی فقهی است. البته این آثار با صرف نظر از کتاب های فقهی استدلالی است که در شرح کتاب های فتوایی نوشته شده است. در واقع آنها را با تسامح رساله عملیه به حساب آورده ام. اگر منظور از عنوان، صرف رساله عملیه نبوده بلکه آثار فقه شیعی باشد، مشکلات دیگری رخ می نماید. از جمله اینکه کتاب های فقهی شیعه منحصر به این بخش نیست و در بخش های «عبادات» و ... نیز آمده است.

فصل عبادات: در این بخش مشکلاتی به چشم می خورد که به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. کتاب هایی که درباره قبله شناسی و تعیین اوقات شرعی نوشته شده است، اساساً فقهی نیست. به عبارت دیگر تعیین جهت قبله یا تعیین زمان عبادت مسأله ای از مسائل فقه نیست و در تخصص فقیهان از نظر اینکه فقیه هستند نیست، بلکه در حیطة کارهای نجومی است. با این وجود چند اثر اینگونه ای در این بخش آمده است. مانند شماره های ۴۰۸۰، ۴۰۸۸ و ۴۰۸۶. اگر تصمیم به آوردن اینها در فقه داشتند، می توانستند در بخش ویژه «مسائل وابسته به فقه» یا کلیات بیاورند.

فصل فقه اهل سنت: در این بخش از سیزده عنوان یاد شده است. اما در لای بخش های دیگر آثار دیگر فقهی از اهل سنت به چشم می خورد. برای نمونه در «عبادات»، کتاب احکام حج در فقه حنفی (شماره ۴۰۴۹) آمده است. روش نماز رسول الله (ص) از دیدگاه ابوحنیفه (شماره ۴۱۵۶) نیز در عبادات آمده است.

اگر تصمیم داشتید، آثار فقهی اهل سنت را تفکیک کنید، حداقل توضیح یا ارجاعی لازم بود. یعنی در «بخش اهل سنت» تذکر می دادید که در اینجا آثار با فلان ویژگی آمده و بقیه آثار اهل سنت ذیل موضوعات دیگر آمده است.

فصل احوال شخصیه: احوال شخصیه اصطلاحی با تعریف خاص است. عنوان این فصل را این گونه نوشته اند: احوال شخصیه (مناکحات). واژه مناکحات آن هم در پرانتز به هیچ وجه مرادف و مترادف احوال شخصیه نیست. بهتر است از مناکحات چشم پوشی شود و آثار دیگری همچون آثار درباره وصیت در اینجا آورده شود.

در این فصل کتابی با عنوان روش های نوین تولید مثل

فصل آثار کلی: این فصل به عنوان اولین رده برای فقه در نظر گرفته شده است. در این فصل هفت دسته منبع یعنی «قواعد فقه»، «مآخذشناسی منابع فقهی»، «فقه تطبیقی»، «تاریخ فقه»، «اصول فقه» و «کلیات فقه» آمده است. البته آوردن منابع اصول فقهی (مانند شماره ۳۷۶۵) در این فصل قطعاً اشتباه است.

سرجمع همه این شش رده به نام «آثار کلی» وجه معقول ندارد. مرحوم احمد طاهری عراقی در کتاب رده بندی اسلام اساس مقبولی بر اساس تجربه های موجود انجام داد و آثار کلی را ویژه منابعی دانست که به اکثر یا همه مسائل علم می پردازند. نیز دیگر منابع معتبر در این زمینه طرح مضبوطی عرضه کرده اند، ولی نمی دانم چرا به این تجربه ها توجهی نشده است. به هر حال در عرف رده بندی، آثار کلی به منابعی گفته می شود که همه یا اکثر مسائل یک علم را در خود جای داده باشند. با نگاه اجمالی به این فصل، نه عنوان گذاری آن را مطابق رویه و عرف عالمان و نه در مدخل های آن همگونی مشاهده می شود.

فصل رساله عملیه فقه شیعه: این عبارات عنوانی است که در صدد ارائه اطلاعات رساله های عملیه فقیهان شیعه است. اصطلاح رساله عملیه دارای مفهوم خاصی است و در عرف فقیهان به اثر مکتوبی گفته می شود که فتاوی یک مرجع تقلید را دربر داشته باشد، و در قالب فقه استدلالی نباشد، بلکه صرف بیان فتواها یا به صورت سؤال و جواب با تبویب خاص باشد. اما به این تعریف و تلقی توجه نشده و کتاب هایی که این ویژگی ها را ندارند در آن جای داده شده است. برخی از آثاری که رساله عملیه به معنای مصطلح نیستند، ولی در این فصل آمده اند، عبارتند از:

آیات الاحکام (ش ۳۸۰۰)، الاثنی عشریه (ش ۳۸۰۱)، اجماعیات فقه الشیعه (ش ۳۸۰۲)، احکام السفر (ش ۳۸۰۴)، اعتکاف در اسلام (ش ۳۸۲۹)، الروضة البهیة (ش ۳۸۳۲)، الزبدة الفقهیه (ش ۳۸۳۳).

کتابی مانند جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام که در بین طلاب و اساتید استدلالی ترین اثر فقهی شناخته شده است،

انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (شماره ۴۳۱۷) آمده است. این اثر به هیچ وجه در زیر عنوان احوال شخصیه و نکاح نمی گنجد، بلکه در حوزه مسائل پزشکی - حقوقی و به طور ویژه موضوع «باروری و ناباروری زنان» را دنبال می کند. یعنی در پی یافتن ضوابط فقهی و حقوقی برای معضلات و مسائل پزشکی در این زمینه است. به هر حال با عنوان «فقه پزشکی» سازگاری دارد نه با «مناکحات».

اگر عنوان فقه پزشکی نداشتید و محذورات رده بندی دیویی مانع آوردن چنین عنوانی است، راه حل دیگر این است که به دلیل مجموعه مقالات بودن، می توان آن را در کلیات جاسازی کرد. مانند همین اثر کتاب پیوند اعضا در فقه اسلامی (شماره ۴۳۴۴) است که ذیل بخش «مباحث و احکام حقوقی، اداری و سیاسی» قرار گرفته است. کتاب مجموعه مقالات همایش پزشکی و موازین شرع نیز همین گونه است. قابل توجه است در بخش «مباحث و احکام...» آثار مربوط به ارث آمده که این گونه موارد را فقها از احوال شخصیه شمرده اند و جایش در بخش احوال شخصیه است. دیگر فصل ها هم مشکلاتی مشابه با آنچه ذکر شد، دارند که از آنها صرف نظر می شود.

بی ربط بودن با موضوع فقه در اصول: منابعی به عنوان کتاب فقهی و اصولی در این بخش آمده که مطابق هیچ ضابطه مقبول فقهی یا اصولی نیست. به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. الاصول الستة عشر من الاصول الاولیة، نه فقهی و نه اصولی بلکه روایی است و آوردن آن در بخش فقه و اصول خطای جدی است.

۲. تطور المبانی الفکرية للتشیع في القرون الثلاثة الاولى (شماره ۳۸۵۳) اساساً فقهی نیست، بلکه کلامی و تاریخ تفکر شیعه است. این اثر در بخش «رساله عملیه» آمده است.

۳. زهر البیع (شماره ۳۹۵۸) کتابی معروف از سید نعمت الله جزایری است و ماهیت آن کشکول (جنگ) یعنی مجموعه ای از مطالب مختلف است. اتفاقاً مباحث فقهی آن بسیار کم است. این اثر را در بخش رساله عملیه آورده اند.

۴. علامه حلی کتابی در فقه تطبیقی زیر عنوان مختلف الشیعة نوشت. جدیداً فهرست راهنمایی بر آن نوشته و منتشر شد. عنوان آن فهرس مختلف الشیعة است. این فهرست نه به موضوعات فقهی پرداخته و نه پرسش های مکلفان را پاسخ گفته است، ولی در زمره رساله های عملیه آمده است. اگر به تسامح

آن را از آثار وابسته فقهی بدانیم، جای آن در کلیات فقه است، نه رساله های عملیه.

۵. المحصل في مسائل الهيئة از مرحوم نراقی درباره دانش هیئت و نجوم اسلامی است و با شماره ۴۰۰۱ در بخش رساله عملیه آمده است.

۶. پرواز در ملکوت (شماره ۴۱۰۵) از امام خمینی اساساً کتابی عرفانی نه فقهی است. یعنی اسرار نماز را از نگاه عرفان بیان می کند.

۷. مسئولیت های انسان، اسلام ضامن قوام جامعه (شماره ۴۲۱۶) به هیچ وجه فقهی نیست، بلکه درباره تعلیم و تربیت است.

۸. کتاب فلسفه عمومی حقوق، از محمدجعفر لنگرودی در بخش «مباحث و احکام» آمده است، در حالی که اصالتاً فقهی نیست.

۹. کتاب نقد و طرح اندیشه ها در مبانی اعتقادی از رضی شیرازی (شماره ۴۴۰۰) کلامی است، ولی در بخش «مباحث و احکام» آمده است.

پراکندگی اطلاعات: در عصر کامپیوتر شبکه سازی اطلاعات بسیار آسان تر شده است و یکی از خدمات کتابشناسی ها عرضه اطلاعات مرتبط به هم در یک نظام به هم پیوسته و مشبک است. گسیختگی اطلاعات موجب به اشتباه افتادن کاربران خواهد شد. متأسفانه در این کتابشناسی هیچ نشانی از شبکه بندی نیست. حتی چاپ های یک اثر که قاعداً باید در کنار هم می آمد، ولی گاه در چند جا آمده است. به برخی از این اشکالات می پردازم:

۱. الموسوعة الفقهية المیسرة در یک فصل در دو جا با شماره های ۳۶۷۵ و ۳۶۷۹ آمده است با اینکه دو چاپ از یک اثر است.

۲. پاره ای از کتاب های مربوط به قواعد فقه در بخش اصول فقه و بخش دیگری از آنها در رده آثار کلی فقه آمده است. برای نمونه نگاه کنید به مدخل های ۳۶۹۳، ۳۷۷۳ و ۳۷۷۴.

۳. کتاب های مربوط به «فقه پزشکی» گاه در بخش احوال

به میان آمده است :

نام‌های پدیدآورندگان : در مقدمه تأکید شده که نام پدیدآورندگان بر اساس فهرست مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان مستندسازی شده است . اما با استناد به همان فهرست اشکالاتی مشاهده می‌شود که به برخی از آنها اشاره می‌کنم :

درست

۱ . علی مشکینی اردبیلی

۲ . حسین مؤید

۳ . سید ابوالقاسم خویی

۴ . روح‌الله خمینی (امام خمینی)

غلط

علی اکبر مشکینی اردبیلی (ش ۳۶۷۸)

حسین مؤید (ش ۳۷۴۰)

ابوالقاسم موسوی (ش ۳۷۴۱)

خمینی روح‌الله (ش ۳۸۴۸ و ۳۸۴۹)

۵ . نویسنده پرواز در ملکوت را از احمد فهری زنجانی دانسته (شماره ۴۱۰۵) در حالی که نویسنده آن امام خمینی (سید روح‌الله خمینی) است .

در پایان متذکر می‌شود، اشکالات و ایرایشی فراوانی به چشم می‌خورد که خود مقوله دیگر و نیاز به تدوین مقاله دیگری است .

اشکالات و ایرایشی انواع مختلفی دارد . اشکالات موجود در عناوین مانند الموسوعة الفقهية المیسرة به غلط الموسوعة الفقیه المیسرة (شماره ۳۶۷۵) و الفتاوی الواضحة به غلط الفتاوی الواضحة (شماره ۳۸۳۶) آمده است .

امید است مسئولان محترم خانه کتاب که در سال‌های اخیر منشأ خدمات بوده و در فرایند فرهنگی کشور نقش داشته‌اند، توجه بیشتری به علمیت و استحکام نمایند . اگر امر داور بین عرضه کاری پر اشکال یا عدم ارائه باشد، بهتر است عرضه نشود . البته کارهای پژوهشی همانند خود انسان، عصمت ندارد و حتماً از خطاهایی برخوردارند، اما کثرت و انبوهی خطا و اشکال به طوری که استفاده از آن را غیرممکن سازد، پذیرفته نیست و نشانگر فقدان مدیریت علمی است . این جانب به عنوان یک محقق کوچک این کشور به دلیل همین اشکالات همیشه به کتابشناسی‌های خانه کتاب اعتماد نداشته و استفاده تام و تمام نکرده‌ام . با اینکه شرط اول در هر کار اطلاع‌رسانی، جلب اطمینان و اعتماد کاربران است .

شخصیه مانند مورد شماره ۴۳۱۷ و گاه در بخش مباحث و احکام حقوقی، اداری و سیاسی مانند مورد ۴۳۴۳ آمده است .

۴ . گاه برخی کتاب‌های مربوط به یک موضوع در چند بخش پراکنده است، مثلاً برخی کتاب‌های وصیت، در بخش اصلی فقه و اصول (مانند شماره ۳۶۷۶) و برخی در «مباحث و احکام» (مانند شماره ۴۴۰۲ و ۴۴۰۳) آمده است .

نیز کتاب‌های مربوط به تاریخ فقه با اینکه باید در بخش تاریخ فقه و اصول بیاید، ولی در دیگر بخش‌ها آمده است . مثلاً کتاب تاریخ فقه اسلامی (شماره ۳۷۶۴) در آثار کلی فقه آمده است .

اشکال در چکیده‌ها : علاوه بر اشکالات ساختاری در چکیده‌ها و اینکه برای برخی آثار مهم و نیازمند چکیده، چکیده تهیه نشده است، گاه اغلاط آشکار و اشتباهات جدی به چشم می‌خورد . برای نمونه به موارد زیر توجه فرمایید . زیر اشکالات خط کشیده شده است :

۱ . چکیده الموسوعة الفقهية المیسرة، این گونه آمده است : ... مشتمل است بر واژه‌ها و اصطلاحات فقهی، سرگذشت فقیهان و معرفی برخی کتب فقهی، حاوی توضیحات، تعریف، ارجاع و نشانی است . در انتهای کتاب نمایه‌القبای مدخل‌ها ...

۲ . چکیده ۳۶۸۹ اساساً مربوط به مدخل نیست .

۳ . در چکیده مدخل ۳۶۹۵ این گونه آمده است :

در کتاب برخی احکام و قواعد مکاسب ... شروط بیع و تصرف مال غیر .

۴ . در چکیده کتاب التشریح الاسلامی: مناهجه و مقاصده (شماره ۳۷۰۱) آمده است :

کتاب حاضر ... در باب اصول فقه و قانون‌گذاری نگارش یافته است .

... موثیق و یمین، تعاون و شراکت، وقف، قصب، سلیم، تمکین و ملک .

۵ . چکیده وسیلة النجاة نوشته ابوالحسن اصفهانی این گونه آغاز می‌شود :

در این رساله فقهی از امام خمینی (ره)، از این احکام سخن